

برای پیشگیری یا کاهش خسارت و برای اجتناب از وقوع حادثه در نواحی در معرض خطر (مخاطره‌آمیز) نه تنها هیچ انگیزه ای ایجاد نمی کنند، بلکه این امر به افزایش مداوم خسارت های بالقوه ناشی از اعطا یارانه به ریسک های نامناسب منجر می شود لذا این روش ها حداقل در بلندمدت نامطلوب است. زیرا اعطا یارانه به انواع ریسک ها غالباً به تخصیص نادرست (غیر بهینه) منابع اقتصادی منجر می شود. در عین حال در بسیاری از موارد ظرفیتی که توسط صنعت بیمه برای پوشش ریسک حوادث فاجعه آمیز طبیعی ارائه می شود، کافی است.

۱. حوادث فاجعه آمیز طبیعی^۱

با گذشت عمر زمین خسارت های اقتصادی و بیمه شده حوادث فاجعه آمیز ناشی از عوامل طبیعی (شامل زلزله، طوفان و یا سیل) دائماً رو به افزایش می باشند که دلایل زیاد و مختلفی را می توان برای این امر عنوان نمود:

پیشنهادی برای مشارکت مناسب در ریسک بین بیمه گران مستقیم، بیمه گران اتکایی، دولت و بیمه گذاران در بیمه حوادث فاجعه آمیز طبیعی

به طور کلی زمانی پوشش خطرات ناشی از عوامل طبیعی (نظیر سیل، زلزله و ...) توسط صنعت بیمه خصوصی امکان پذیر خواهد بود که مبتنی بر مشارکت معقول در ریسک باشد. چنین مشارکتی بین بیمه گران مستقیم و بیمه گران اتکایی از یک سو و دولت برای ایجاد چارچوبی قانونی (یا در صورت لزوم به عنوان آخرین بیمه گر اتکایی) و بیمه گذاران از سوی دیگر صورت می گیرد.

از طرفی اتخاذ راه حل های متضمن بیمه اجباری و حق بیمه های ثابت یا سایر اقدامات مداخله گرایانه نسبتاً نامطلوب هستند، اغلب به نوعی در حکم مالیات تلقی می گردند که به صورت یک جا (سرانه) برای کل افراد جامعه وضع می شوند، اما فقط در میان اقلیتی مجدداً توزیع می گردند. این گونه روش ها و اقدامات

۱. حوادث فاجعه آمیز طبیعی شامل کلیه حوادثی ناشی از بروز اتفاقات طبیعی مانند زلزله، سیل، صاعقه و ... است که منجر به بروز خسارت های گسترده مالی و جانی می گردد. تازه های جهان بیمه.

زیان دیدگان حوادث فاجعه آمیز طبیعی می گردند. این امر ضرورت دخالت سریع تر دولت را افزایش داده و به منظور پیشگیری از سوء استفاده های احتمالی، تنظیم امور لازم و ضروری می شود.

در این راستا دو پرسش اساسی مطرح می گردد: آیا ضرورت مداخله دولت در این زمینه توجیه می شود؟ به عبارت دیگر آیا حوادث فاجعه آمیز طبیعی بیمه پذیر هستند و اگر چنین است نقش خاص دولت، بیمه گذاران و صنعت بیمه در این زمینه چیست؟

۲. بیمه پذیری حوادث فاجعه آمیز

طبیعی

در ادبیات تخصصی بیمه اغلب سه ملاک اصلی تحت عنوان پیش شرط های بیمه پذیری یک ریسک به ترتیب:

(۱) اتفاقی بودن آن، (۲) امکان تعیین خسارت مالی مورد انتظار و (۳) میزان خسارت ریسک مورد بحث شناخته شده اند. اتفاقی بودن یک خسارت ایجاب می کند که عدم قطعیت در مورد علت حادثه، زمان وقوع و یا وسعت آن وجود داشته باشد. این پیش شرط به طور معمول در حوادث

(۱) جمعیت فزاینده جهان یک عامل مؤثر است.

(۲) تغییر مکان و مهاجرت مردم به سوی مناطقی که فوق العاده در معرض خطرات طبیعی است.

(۳) روند صنعتی شدن که موجب تمرکز هرچه بیشتر اموال در نواحی بسیار محدودتر می گردد. و بالاخره؛

(۴) وجود نشانه هایی مبنی بر گرم تر شدن تدریجی جو که این امر منجر به وقوع طوفان و سیل های شدیدتر و با فراوانی بیشتر می گردد.^۱

به طور کلی هر حادثه فاجعه آمیز در مقیاس بزرگی که به وقوع می پیوندد، جامعه درگیر بحث گسترده ای در زمینه علل ممکن، پیشگیری و پیامدهای چنین حوادثی می شود. این بحث نقش صنعت بیمه را نیز روشن می کند چرا که در بعضی اوقات بیمه گران متهم به عدم جبران کافی غرامت

۱. انتشار انواع آلاینده ها در جو (اتموسفیر) مانند گاز مونواکسید کربن، دی اکسید کربن، اکسیدهای نیتروژن، دی اکسید گوگرد، ذرات معلق جامد در هوا و ... سبب می شود تا امواج ماورای بنفش که به سطح زمین برخورد می کنند نتوانند از جو خارج شوند. لذا با ترکیب و برخورد این امواج با گازهای مذکور هوای پیرامون زمین گرم تر می شود و بدین ترتیب با افزایش درجه حرارت بین جو و سطح زمین پدیده وارونگی و اثر گلخانه ای اتفاق می افتد. تازه های جهان بیمه.

تلاش های قابل توجهی در زمینه شناسایی و تخمین ریسک سیل صورت گرفته است اما مشکل خاصی که در زمینه طوفان و سیل وجود دارد تحت عنوان «ریسک تغییر» می باشد که در اثر گرم شدن زمین می تواند به وقوع بپیوندد.

به هر حال ریسک تغییر، موضوعی خاص در بیمه خطرات طبیعی نیست و در این جا نیز همانند سایر رشته های بیمه این امر به عنوان یک مشکل مطرح است. بنابراین ریسک تغییر به تنهایی عاملی که حوادث فاجعه آمیز طبیعی را بیمه ناپذیر سازد، نیست.

از این رو در ارزیابی ریسک نه تنها ضرورت دارد تا وضعیت و شرایط موجود مدنظر قرار گیرد، بلکه باید روند مورد انتظار آینده نیز در این زمینه پیش بینی شود.

میزان خسارت مورد انتظار از این حیث حایز اهمیت است که نباید بیش از مبلغی باشد که یک بیمه گر انفرادی را ورشکست کند یا منجر به نابودی کل صنعت بیمه گردد. تعهد پرداخت غرامت در صورتی که پس از وقوع خسارت نتوان آن را به پول نقد تبدیل کرد (امکان نقدینگی آن کم باشد)، بی ارزش خواهد بود.

فاجعه آمیز طبیعی وجود دارد. زیرا لازم است تنها یکی از این معیارها برآورده شود. البته لازم به ذکر است که در مورد زلزله و طوفان ها اغلب این پیش شرط تحقق می یابد. از سوی دیگر در مورد سیل چنان چه احتمال وقوع خسارت فوق العاده زیاد باشد، بیمه پذیری ریسک می تواند تا اندازه ای محدود شود.

خسارت مالی بالقوه ناشی از یک حادثه فاجعه آمیز طبیعی باید قابلیت تخمین داشته باشد. در غیر این صورت محاسبه حق بیمه مناسب و کافی (عادلانه) برای ریسک پذیرفته شده توسط بیمه گر امکان پذیر نخواهد بود. در مورد حوادث طبیعی اصولاً این محاسبه ها و تخمین ها امکان پذیر است. تلاش های توأم هواشناسان، جغرافی دانان، آبشناسان و آکچوئرها طی چند سال اخیر منجر به پیشرفت های چشمگیری در این زمینه شده است.

شاید در وهله اول به نظر آید که اکثر پیشرفت ها در زمینه تحقیقات زلزله حاصل شده باشد ولی در حال حاضر مبانی علمی پیش بینی بروز طوفان نیز به طور فزاینده ای قابل اتکاء شده اند و اخیراً

۳. مشارکت ریسک

۱-۳. نقش دولت

در یک سیستم باز اقتصادی (مبتنی بر بازار آزاد) پذیرش ریسک یا تأثیر گذاری بر روش های انتقال ریسک اساساً وظیفه دولت نیست.

این کار باید به بخش خصوصی اقتصاد که در یک محیط بازار آزاد با همدیگر رقابت و فعالیت می کنند حداقل تا جایی که اهداف آن با محدودیت های سیاسی مغایرت نداشته باشد، واگذار گردد.

این امر بدین مفهوم است که دولت در وهله اول مسئول ایجاد چارچوب های قانونی لازم است. در چارچوب بحث بیمه حوادث طبیعی، این موضوع متضمن آن است که دولت به صنعت بیمه اجازه دهد تا ذخایر مالی برای پاسخگویی به تعهداتش را به نحوی ترتیب دهد تا مجاز گردد که ذخایری معاف از مالیات داشته باشد.

این امر به منظور تضمین پراکندگی زمانی تعهدات به لحاظ دوره های تکرار طولانی خسارت ها ضروری است.

برای مثال دوره تکرار زلزله ها ۱۰۰ سال یا بیشتر و در مورد طوفان چند دهه به طول

در این خصوص با کمک صنعت بیمه بخش عمده ای از حوادث فاجعه آمیز طبیعی را می توان تحت پوشش قرار داد. به هر حال برخی سناریوهای قابل تصور وجود دارد که در آن ها منابع سرمایه ای صنعت بیمه ممکن است بیش از منابع موجود در جهان باشند. در ادامه چگونگی محدود کردن احتمال ورشکستگی و در نتیجه گسترش بیمه پذیری حوادث فاجعه آمیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بدین ترتیب بیمه شدن حوادث فاجعه آمیز طبیعی از نقطه نظر فنی امکان پذیر خواهد بود. برای انجام موفقیت آمیز این کار یک مشارکت در ریسک متشکل از دولت، صنعت بیمه و بیمه گذاران ضروری است.^۱ هم چنین جهت ارائه پوشش مناسب، این ریسک ها باید بر یک پایه جهانی توزیع گردند.

راه حل های ارائه شده در زیر عمدتاً بازارگرا خواهند بود. با این وجود مواردی که مستلزم عناصری از مداخله دولت می باشند نیز بررسی خواهد شد.

۱. این مشارکت در ریسک صرف نظر از نوع مستقیم یا اتکالی بودن بیمه به مثلک طلائی مشارکت در ریسک معروف است. تازه های جهان بیمه.

فقط از این طریق بیمه گران مستقیم داخلی می توانند ظرفیت خود را با خرید پوشش بیمه از شرکت های بیمه اتکایی که به صورت بین المللی فعالیت می کنند، افزایش دهند. این امر به نوبه خود توزیع جهانی ریسک ها را مشخص می سازد.

دولت هم چنین متولی امر نظارت بر فعالیت های بیمه است. در همین ارتباط دولت مسئول نظارت بر توانگری شرکت های بیمه می باشد به نحوی که اطمینان حاصل کند آن ها در وضعیتی هستند که بتوانند به تعهداتشان عمل نمایند. توانگری یک شرکت بیمه به نوبه خود به طور قابل توجهی با فراهم آمدن امکان نگهداری ذخایر معاف از مالیات و یا از طریق بهبود نقل و انتقال آزاد خدمات و سرمایه به نحوی که بازار بیمه اتکایی بتواند به طور مناسبی به تعهداتش عمل کند، تحت تأثیر قرار می گیرد.

هم چنین دولت در رابطه با مشارکت ریسک بین دولت، صنعت بیمه و بیمه گذاران وظایف معینی در مورد پیشگیری و حداقل کردن خسارت به عهده دارد. برای نمونه وضع و اجرای مقررات ساخت و ساز جهت اطمینان از این که

می انجامد. مزادهای حاصل از سال های بدون خسارت را نمی توان به عنوان سود اعلام کرد بلکه باید به عنوان منابعی برای خسارت های فوق العاده ای که در صورت وقوع بیمه گر موظف به تأمین آن هاست، جداگانه نگهداری شوند.

هم چنین ممکن است این منابع را حداقل تا حدودی به صورت سرمایه گذاری های خارجی نگهداری کرد. به عنوان نمونه در صورت وقوع یک حادثه فاجعه آمیز عظیم، نقد کردن اوراق بهادار داخلی با یک قیمت منطقی در بازار احتمالاً دشوار است. به ویژه اگر شرکت های مربوطه نیز توسط همان حادثه فاجعه آمیز متأثر و یا آشفستگی ناشی از حوادث طبیعی در زیر ساخت های اقتصادی مانع تولید عادی شود، سهام شرکت نیز ممکن است به طور چشم گیری ارزش خود را از دست بدهد.

به سبب شدت خسارت حوادث فاجعه آمیز و دوره تکرار نسبتاً طولانی آن ها اغلب تحمل فشارهای ناشی از این حوادث برای صنعت بیمه کشور به تنهایی ممکن نیست. بنابراین دولت باید موظف شود تا نقل و انتقال آزاد سرمایه و خدمات (بیمه اتکایی) را تضمین کند.

به عنوان نمونه در سوئیس یک صندوق خطرات طبیعی سنتی وجود دارد که در سال ۱۹۹۳ مبنای قانونی فدرال پیدا کرد و این صندوق تقریباً در تمام کانتون های^۱ سوئیس پوشش خطرات طبیعی یک بخش اجباری از هر بیمه نامه آتش سوزی را تشکیل می دهد. در عین حال خود صندوق پشتوانه اش را از بیمه گران اتکایی از طریق خرید پوشش بدست می آورد.

ساز و کار مشابهی نیز در نروژ اجرا می شود به نحوی که خطرات طبیعی در مقابل یک حق بیمه به طور اجباری در بیمه نامه آتش سوزی تحت پوشش قرار می گیرند.

هم چنین این صندوق که تحت عنوان صندوق بلایای طبیعی^۲ معروف است، پوشش های اتکایی از بازار آزاد بدست می آورد. علاوه بر این، پوشش های اجباری بلایای طبیعی^۳ در فرانسه و کنسرسیوم تأمین و جبران خسارت اسپانیا^۴ نیز وجود دارد.

ساختمان ها در مناطق زلزله خیز تحمل شوک های خاصی را خواهند داشت یا ساختمان های در معرض طوفان درجه خاصی از فشارهای باد را بدون خسارت تحمل می کنند، وظیفه دولت ها است. وظیفه دیگر دولت احداث سد برای جلوگیری از سیل است. این وظیفه دولت می تواند و باید به شکل اعمال ممنوعیت استفاده از زمین نواحی در معرض خطرات طبیعی (به عنوان مثال نواحی مجاور مناطق زلزله خیز، در بستر رودخانه ها که در معرض سیل های سالانه هستند) انجام شود. هم چنین اقدامات مربوط به پیشگیری از گرم تر شدن زمین در حوزه وظایف دولت قرار می گیرد.^۱ این کارها شامل اقداماتی جهت تحقق ۲۱ موضوع مورد بحث در اجلاس سران آب و هوای جهان می باشد. از سوی دیگر در برخی کشورها مقرراتی تعیین شده است که یا به طور مستقیم توسط دولت وضع شده اند یا به طور قابل ملاحظه ای توسط دولت تحت تأثیر قرار گرفته اند.

۲. نوع خاص از تقسیمات کشوری که در سوئیس معمول است .

تازه های جهان بیمه.

3. Naturscade Pool.

4. Catastrophe Naturelle.

5. Consorcio de Compensacion de Seguros.

۱. دولت از طریق وضع انواع مالیات های زیست محیطی، قوانین استاندارد

صنعتی و ... می تواند از انتشارات بی رویه گازهای آلاینده در جو

جلوگیری کند . تازه های جهان بیمه.

حدود ریسک انفرادی آن ها کافی نیست. این عمل هم از نقطه نظر اقتصاد کلان و هم از نقطه نظر مدیریت فعالیت های انفرادی غیرقابل توجیه است.

در مورد حق بیمه میانگین، این کار به لحاظ اقتصادی غیرموجه است زیرا نرخ و ارزش پوشش بیمه ای با هزینه تولید آن مرتبط نخواهد شد. این عمل ضرورتاً به تخصیص نامناسب منابع منجر خواهد شد. علاوه بر این، نرخ که بیمه گذار باید پرداخت کند، تعیین می کند که آیا به اقداماتی برای پیشگیری از خسارت بها داده می شود و یا آیا فرد در وهله اول تصمیم به سکونت در منطقه مخاطره آمیز تر خواهد گرفت؟ برای مثال در منطقه ای زلزله خیز، یک ساختمان بتون آرمه با یک پی (فونداسیون) محکم نشانگر یک ریسک مطلوب تر در مقایسه با یک ساختمان آجری بر روی محل دفن زباله می باشد.

از نقطه نظر مدیریت بیمه نیز این عمل غیرقابل توجیه است زیرا الزاماً منجر به انتخاب نامساعد برای بیمه گر خواهد شد. از این رو ریسک های با خسارتی کم تر باید به ریسک های با خسارتی بیشتر از متوسط خسارت مورد انتظار یارانه بدهند که این امر

در این رابطه در ژاپن یک صندوق زلزله ایجاد شده است. این صندوق فقط خانه و متعلقات آن را بیمه می کند و تعهدات را بین صنعت بیمه و دولت تقسیم می نماید. در آمریکا بیمه سیل فدرال بر اساس « قانون توسعه شهری و خانه سازی » سال ۱۹۶۸ تضمین هایی را جهت پوشش خطر سیل در نواحی که شدیداً در معرض آن هستند، ارائه می دهد.

۲-۳. نقش صنعت بیمه

نقش صنعت بیمه در زمینه مشارکت ریسک که توسط بیمه گران مستقیم و بیمه گران اتکایی ایفا می شود، تحمل ریسک های مربوط به موضوع مذکور می باشد. جهت توانایی انجام این کار پیش شرط های فنی خاصی به شرح زیر باید تأمین شود:

۱- ۲-۳. پیش شرط های فنی

پیش تر این موضوع بیان شد که خسارت مالی مورد انتظار ناشی از یک حادثه فاجعه آمیز طبیعی باید به درستی و با اطمینان کافی قابل محاسبه باشد. این امر تعیین حق بیمه صحیح را ممکن می سازد. در یک سیستم اقتصادی مبتنی بر بازار، محاسبه یک حق بیمه میانگین، برای تمام خطرات بدون توجه به

شود که منجر به افزایش خسارت بالقوه خواهد شد.

هم چنین دریافت حق بیمه های کافی پاسخی به این پرسش در زمینه امکان بیمه کردن ریسک هایی که به احتمال زیادی تحقق می یابند، ارائه می دهد. برای مثال این ریسک ها ممکن است شامل سیل های موسمی در هند و بنگلادش که هر ساله مرتباً به وقوع می پیوندد یا ریسک های تقریباً اجتناب ناپذیر طغیان رودخانه های اروپایی در زمان آب شدن برف ها در بهار باشد. اگر بیمه گران در چنین مواردی حق بیمه ای درخواست کنند که واقعاً متناسب با ریسک است، پرسش مزبور در مورد بیمه برای مشتری مربوطه کلاً از درجه اعتبار ساقط می گردد. در چنین مواردی مبادله بیمه صرفاً به یک تبادل وجوه همراه با یک فشار اضافی مالیات ها و هزینه ها تبدیل خواهد شد.

علاوه بر نیاز به محاسبه قیمت مناسب و کافی، پیش شرط فنی دیگر برای آمادگی صنعت بیمه جهت مواجهه با حوادث فاجعه آمیز طبیعی، نیاز به شفافیت در مورد کل ارزش موارد بیمه شده است. این موضوع به علت این که حادثه طبیعی می تواند به

منجر به ارائه شرایط (پوشش) مطلوب تر توسط بیمه گران به قیمت زیان مشتریان خواهد شد.

تمامی استدلال ها برعلیه حق بیمه های متفاوت اصولاً بر یک مبنای اجتماعی یا توجیه های همگانی (منافع همگانی) استوار هستند و کمتر تحت تأثیر ملاحظات اقتصادی و مالی قرار می گیرند. اگر دولتی، صنعت بیمه را به رعایت سطحی از نرخ های حق بیمه مجبور کند در واقع آن را مجبور نموده تا صرفاً به عنوان دستیاری در جهت انجام وظایف حکومتی خود عمل کند. لذا حق بیمه ها تا حدودی به عنوان مالیات تلقی خواهد شد که بیمه گران آن را مجدداً بین زیان دیدگان فاجعه طبیعی توزیع می کنند. این روش هنگامی که منابع در دسترس برای جبران خسارت دیگر کافی نباشد، منجر به اقدامات مداخله گرایانه متعددی همانند بیمه اجباری و تضمین های دولتی می گردد.

به علاوه چنین سیستمی عملاً برای رهایی و نجات دولت از وظایفش در زمینه پیشگیری از خسارت، کنترل آسیب ها و سایر اقدامات مربوط به کاهش خسارت طراحی خواهد شد. این امر منطقی می تواند به عنوان دلیلی تلقی

این امر برای این که پیش شرط های فنی برای بیمه خطرات طبیعی برآورده شوند در سطح بیمه مستقیم حیاتی است. این کار وظیفه بیمه گران مستقیم است که حق بیمه مناسب و کافی را محاسبه نمایند و مطمئن شوند که این حق بیمه ها وصول می شوند و کنترل های ریسک را اعمال نمایند.

بیمه گران اتکایی که در سطح جهانی فعالیت می کنند می توانند کمک هایی براساس تجربه خود از مسائل مشابه در سایر نقاط جهان ارائه دهند.

۲-۲-۳. نگهداری (قبول) ریسک

بیمه گران مستقیم در صورتی که فقط در منطقه جغرافیایی محدودی فعالیت کنند برای نگهداری ریسک های مربوطه محدود به امکاناتشان هستند. به دلیل وجود مشکل ریسک، بیمه گران برای توزیع ریسک هایشان مجال کمی دارند و یا هیچ مجال برای این کار ندارند. ریسک های انفرادی بسیاری که بیمه گران نگه می دارند، خیلی سریع متراکم (انباشت) شده و یک ریسک عمده را شکل می دهند که بزودی از حدود ظرفیت آن ها تجاوز خواهد کرد. بنابراین احتمال ورشکستگی مالی به طور غیر قابل

تعداد زیادی از موارد بیمه شده آسیب برسانند ضروری می باشد. به عبارت دیگر با موارد بیمه شده نمی توان به طور مستقل از هم برخورد کرد. هرچند چنین انباشتی از خسارت های انفرادی را باید به عنوان حوادث انفرادی در نظر گرفت. اما بیمه گر باید از وسعت خسارت بالقوه آن ها نیز آگاه باشد.

ابزار برخورد با این مشکل کنترل ریسک می باشد. بدین منظور در بسیاری از کشورهایی که در مقابل حوادث فاجعه آمیز آسیب پذیر هستند بر روی ارزیابی ریسک مناطق توافق کرده اند. این کار به کمک یک گروه کاری جهانی از بیمه گران، بیمه گران اتکایی و سایر گروه های ذی نفع که در زمینه منطقه بندی یکسان همکاری دارند (کرستا)^۱ انجام می شود. هدف از این فرایند، یکسان سازی ارزیابی حدود تعهدات در نواحی مختلف و در دسترس قرار دادن اطلاعات مناسب برای بیمه گران است. این اطلاعات مبنای محاسبه حداکثر خسارت احتمالی^۲ را شکل می دهند که در نهایت میزان ظرفیت در دسترس را تعیین می کند.

1. CRESTA.

2. Probable Maximum Loss (PML).

بیمه گران مستقیم ملی مجبور شوند تا مطابق با مقررات داخلی عمل کنند. به علاوه بیمه گران اتکایی به دسترسی آزاد به منابع مالی لازم نیاز خواهند داشت. زیرا مجبورند پرتفوی خود را در سطح بین المللی متوازن کنند و وجوه لازم را در صورت نیاز مهیا سازند. کمبودهای پوشش بیمه که در نتیجه چنین شرایطی بوجود می آید تنگناهای اصلی ظرفیت نیستند بلکه این کمبودها بیشتر نتیجه رفتار غیر بازارگرا می باشند.

حتی اگر تمامی پیش شرط های اقتصادی لازم برقرار باشند، هنوز سناریوهای قابل تصویری وجود دارد که در آن ها احتمال ورشکستگی کل صنعت بیمه آن قدر زیاد است که کمبودهای ظرفیت واقعی می تواند رخ دهد. یک مثال عینی در این زمینه پیش بینی خطر زلزله بزرگ توکیو با خسارت اقتصادی بالغ بر ۳/۳۰۰/۰۰۰ دلار یا پیش بینی خطر زلزله سانفرانسیسکو با خسارتی بالغ بر ۲۲۰/۰۰۰ دلار می باشد.

در چنین شرایط حادی توسل به دولت ضروری است. نه فقط به خاطر این که دولت می تواند استانداردهای سخت گیرانه تری را برای پیشگیری و کاهش خسارت وضع و اجرا

تحملی افزایش می یابد. نتیجتاً بیمه گران برای محافظت از خود، باید به بازارهای بیمه اتکایی روی آورند.

در مورد جنبه های مختلف ریسک بیمه گران اتکایی ابتدا با همان مشکل بیمه گران مستقیم مواجه می باشند. با این حال در عمل آن ها نسبت به بیمه گران مستقیم دارای برتری مسلمی هستند. اگر آن ها در سطح بین المللی فعالیت کنند (که عموماً این چنین است) می توانند ریسک های خود را در سطح جهانی توزیع نمایند. آن ها می توانند به طور کارآمدتری نسبت به سایر بیمه گران اتکایی که در مناطق مخاطره آمیز مستقلاً از جهان مشغول بکار هستند، این کار را انجام دهند. بنابراین آن ها علاقمندند حتی الامکان در کشورهای مختلف فعالیت کنند تا از این طریق ظرفیت شان را گسترش دهند.

در این جا نیز روشن می شود که دریافت حق بیمه های کافی و تأمین شرایط نقل و انتقال (جابجایی) آزاد سرمایه چقدر ضروری است. بیمه گران اتکایی بین المللی در صورت ناکافی بودن حق بیمه به زحمت مایل به مشارکت در ریسک ها خواهند بود حتی اگر

شود که کمبودهای ظرفیت فقط در مرحله آخر روی می دهد. با انجام این عمل آن ها از تحمیل خسارت به خودشان نیز جلوگیری می نمایند.

۳-۳. نقش بیمه گذار

بیمه گذاران به عنوان گروه متقاضی پوشش بیمه ای جهت مقابله با عواقب خسارت در وهله نخست باید پایبندی خود را به مقررات ساخت و ساز اثبات کنند و هم چنین اقداماتی را برای پیشگیری و حداقل کردن خسارت خودشان انجام دهند. لذا هرچه حق بیمه به طور مناسب تری محاسبه شود تمایل آن ها به انجام چنین اقداماتی بیشتر خواهد بود. انجام چنین اقداماتی برای کاهش خسارت تا حدی که بار تعهدات صنعت بیمه را کاهش می دهد باید در قیمت گذاری محصولات بیمه ای منعکس شود.

بیمه گذاران هم چنین باید ملزم شوند تا در هر خسارتی که به وقوع می پیوندد مشارکت نمایند. کسورات خسارت (کاستنی) اثر دوگانه ای دارد. از یک سو موارد ادعای خسارتی که در صورت وقوع حادثه فاجعه آمیز پیگیری می شود، کاهش چشمگیری خواهد یافت. از سوی دیگر کل بار

کند بلکه به خاطر این که می تواند به عنوان نگهدارنده (ریسک) یا قرض دهنده نیز عمل نماید. برای مثال در صورتی که بخش خصوصی صنعت بیمه^۱ و بیمه اتکایی (از تحمل ریسک ها) ناتوان شوند، دولت می تواند به عنوان بیمه گر اتکایی در بازار دخالت نماید. در این راه دولت برای صنعت بیمه در حکم آخرین بیمه گر اتکایی عمل می نماید و بازار بیمه کشور نه تنها از طریق میزان محدود سرمایه مخاطره آمیز بلکه توسط کل اقتصاد ملی پشتیبانی می شود.

علاوه بر این دولت می تواند منابع مالی لازم میان مدت را برای خسارت های بزرگ فراهم سازد تا به صنعت بیمه اجازه دهد بار خسارت خود را در طی یک دوره زمانی طولانی تر توزیع نماید. این موضوع که آیا امروزه دولت به لحاظ مالی در وضعیتی هست که خود را درگیر چنین برنامه ای نماید بیشتر از این مورد بحث واقع نخواهد شد. اما حتی بیمه گذاران نیز به عنوان گروه سوم از گروه های در معرض خطر می توانند به طور قابل توجهی همکاری نمایند تا اطمینان حاصل

۱. بیمه گران مستقیم خصوصی که در بازار بیمه فعالیت دارند. تازه های جهان بیمه.

ناشی از زیان به ساختمان های مسکونی خصوصی در آلمان را به میزان ۵۰ درصد کاهش داده است. تعداد موارد ادعای خسارت حتی به میزان ۶۵ درصد کاهش یافته است. هرچند این کار بر افزایش کل ظرفیت تأثیری ندارد اما به توانایی بخش خصوصی اقتصاد برای مواجهه با خسارت های حوادث فاجعه آمیز کمک خواهد کرد.

مترجم: حسن رضا عباسیان فر

منبع: *The Geneva Papers on Risk and Insurance*,

21 (No. 80, July 1996), pp. 393-400

خسارت نیز حتی در مورد مبالغ نسبتاً کم کسورات خسارت به طور قابل توجهی کاهش خواهد یافت. گذشته از این انجام بیمه مشترک توسط بیمه گذار امکان پذیر می باشد. این امر برای انجام اقدامات پیشگیری و کاهش خسارت انگیزه مضاعفی در پی دارد. تجزیه و تحلیل حوادث فاجعه آمیز و پر خسارت در سال های اخیر نتایج جالب توجهی در این زمینه ارائه می دهند. برای مثال در مورد طوفان اروپایی داریا^۱ در سال ۱۹۹۰ یک کسورات خسارت ۱۰۰۰ مارک برای هر ریسک، کل خسارت

حوادث فاجعه آمیز بزرگ طبیعی ۱۹۹۵ - ۱۹۶۰

میلیارد دلار آمریکا

